

The Study of the Relationship between Fereydun and the Water Deity in Elam Civilization

Khadijeh Naghipourfar

PhD student of History, Najafabad branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, kh.naghipourfar@gmail.com

Naser Jadidi*

Assistant Professor of History, Najafabad branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, jadidi_naser@yahoo.com

Abstract

Fereydūn, like many Iranian myths, could be followed up in Vedic texts. But, after searching these texts, there are differences between the roles of Fereydun in the Vedic and Middle Iranian texts. As Iran has older history than the Aryan establishment on this plateau, it is therefore possible to follow the roots of this mythology as existing in the middle texts, in pre-Aryan civilizations in Iran, like Elamite civilization. The cultural and civilization elements of the ancient Elam can be closely linked to the Middle Eastern civilization. Therefore, Elam had abundant Mesopotamian deities who, of course, were accepted by their special function in Elam. Ea/Enki was one of them. But with regard to Untash-Napirisha, it seems that in Elam, his roles are fully attributed to Napirisha. But anyway, Napirisha is the Elamite form of Ea. In order to better understand the Elamite water deity role, it is necessary to refer to the myth of the Mesopotamian Ea. By examining the myths of Ea, there are points that seem to suggest that Fereydūn could be known as the Aryan form of this Mesopotamian and Elamite myth. This article uses a library method based on existing documents and seeks to find out the relationship between the myth of Fereydūn and the water deity in Elamite civilization, due to its Mesopotamian background.

Keywords: Ea, Apsū, Ox-headed Mace, Fereydūn, Elam

* Corresponding author

ارتباط میان فریدون با ایزد آب در تمدن ایلام

خدیدجه نقی پورفر* - ناصر جدیدی**

چکیده

مانند بسیاری از اساطیر ایرانی، فریدون نیز این قابلیت را دارد که در متون ودایی پیگیری شود؛ اما پس از جست و جو در این متون، تفاوت هایی میان نقش های فریدون در متون ودایی و میانه ایرانی دیده می شود. تاریخ ایران بسیار کهن تر از استقرار آریایی ها در این فلات است؛ پس این امکان وجود دارد که ریشه هایی از این اساطیر را به صورت موجود در متون میانه، در تمدن های پیش از آریایی ایران نیز پیگیری کرد که تمدن ایلامی یکی از این تمدن ها است. عناصر فرهنگی و تمدنی ایلام باستان را همواره می توان در ارتباط تنگاتنگ با تمدن میان رودان دانست؛ از این رو در تمدن ایلام، ایزدان میان رودانی فراوانی وجود داشته اند که البته با کارکرد خاص خود، در ایلام پذیرفته می شدند. انا/انکی (ایزد آب میان رودانی) از آن جمله است؛ البته با توجه به استل اونتش نپیرش چنین به نظر می آید که در ایلام نقش های او به طور کامل به ایزد نپیرش نسبت داده شده است؛ اما به هر حال با آنکه نپیرش صورتی ایلامی از اناست، برای شناخت بهتر نقش های ایزد آب ایلامی ناچار باید به اسطوره ائای میان رودانی مراجعه کرد. با بررسی در اسطوره انا نکاتی دیده می شود که به نظر می آید ممکن است فریدون را صورت آریایی این اسطوره میان رودانی و سپس ایلامی دانست. این مقاله بر آن است به روش کتابخانه ای و برپایه اسناد موجود، چگونگی ارتباط میان اسطوره فریدون و ایزد آب را در تمدن ایلام، با توجه به پیشینه میان رودانی آن، بررسی کند.

واژه های کلیدی: انا، آپسو، گرز گاوسر، فریدون، ایلام

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران، kh.naghipourfar@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل)، naserjadidi.96@gmail.com

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

مقدمه

اثای میان‌رودانی، به‌علاوه مارسواربودن، ظاهر شده است (Harper, 1992-93: 130) بیان این نظر ممکن است که دست‌کم در دوره‌ای از تاریخ ایلام می‌توان نپیرش را نیز همانند ایزد انا و ایزد آب ایلامی دانست. باتوجه به کمبود منابع مستقیم در زمینه نپیرش در ایلام و انطباق سمبل‌های آن با انا، جز درباره مار (Black & Green, 2004: 75)، ناچاریم نقش و جایگاه این ایزد را با رجوع به انا در صورت ایلامی و میان‌رودانی آن بررسی کنیم. نگارش این مقاله براساس این پرسش است که میان فریدون در جایگاه اسطوره‌ای هندوایرانی و اسطوره ایزد آب ایلامی چه ارتباطی وجود دارد. البته پرسش‌های فرعی دیگری در این باره وجود داشته است که از این قرارند: نسب ایزد آب ایلامی و فریدون چه شباهت‌ها یا تفاوت‌های شکلی با هم دارند؟ پدر ایزد آب ایلامی و پدر فریدون چه ویژگی‌های همگونی دارند؟ سمبل‌های ایزد آب ایلامی و فریدون چه شباهت یا تفاوت‌هایی دارند؟ نقش‌های اساطیری ایزد آب ایلامی و فریدون چه ارتباطی با هم دارند؟

فرضیه‌ها در راستای پرسش‌های مطرح‌شده از این قرارند: میان اسطوره ایزد آب ایلامی و اسطوره فریدون ارتباط فرهنگی بسیاری می‌توان یافت. برخی فرضیه‌ها در پاسخ به پرسش‌های فرعی چنین است: چنین به‌نظر می‌آید نسب فریدون و نیز ایزد آب ایلامی هر دو با آب ارتباط داشته باشد. پدر انا، ایزد آب ایلامی میان‌رودانی، آپسو ایزد آب‌های شیرین است و پدر فریدون آبتین بوده است که به‌علت لغت‌شناسی، نام او با آب ارتباط دارد و نسب فریدون آبتینان معرفی شده است که اجداد او نیز در ارتباط با آب معرفی می‌شوند.

اساطیر همواره در فرهنگ هر قوم ریشه دارند که گاهی با آمیزش اقوام با یکدیگر، اساطیر این اقوام نیز تاحد امکان با یکدیگر ترکیب و یکسان‌سازی شده‌اند؛ البته گاه بازشناسی منشأهای گوناگون این اساطیر کاری دشوار است. اساطیر کهن ایرانی همواره در بستری به‌طور کامل آریایی (هندوایرانی) یا در نگاه وسیع‌تر، هندواروپایی بررسی شده‌اند که اسطوره فریدون نیز از این دیدگاه مستثنی نبوده است. واقعیت این است که آریایی‌ها با ورود به ایران، با سرزمینی بدون ساکن روبه‌رو نبودند و بلکه پیش از آریایی‌ها نیز در این سرزمین تمدن‌هایی همچون کاسی‌ها، گوتی‌ها، لولوبی‌ها، ایلامی‌ها، ماناها و... وجود داشته است؛ همچنین آریایی‌ها در جایگاه مردمی مهاجر، به این سرزمین‌ها وارد شدند و مردم بومی این سرزمین‌ها آنها را با مسالمت پذیرفتند؛ بنابراین برای برخی از این اساطیر کهن ایرانی، شاید بتوان بستری کهن‌تر از پیشینه‌ای فقط آریایی در نظر گرفت.

در این دیدگاه می‌توان اساطیر ایرانی را دارای پیشینه‌ای پیش‌آریایی در فلات ایران نیز دانست که گاهی با اساطیر آریایی ترکیب یا همسان‌سازی شده و اسطوره‌ای نو پدید آورده‌اند که با هرکدام از صورت‌های آریایی و پیش‌آریایی خود هماهنگی‌هایی دارد. ازطرفی، باتوجه به تأثیر فرهنگی متقابل میان‌رودان و ایلام بر یکدیگر، گاه این امکان وجود دارد که ریشه اسطوره‌های ایلامی را در میان‌رودان نیز جست‌وجو کرد. با رجوع به منابع مکتوب ایلامی، انا/انکی را می‌توان مانند همتای میان‌رودانی آن ایزد آب‌های روان ایلام دانست (Black & Green, 2004: 27, 75)؛ البته از آنجا که نپیرش در استل اونش نپیرش با تمامی نمادهای

اهمیت و ضرورت پژوهش

تاریخ و پیشینه ایران بسیار کهن تر از تاریخ حضور آریایی ها در این سرزمین است و پیش از آریایی ها، در این سرزمین تمدن های شکوفای بسیاری وجود داشته است که تمدن ایلام یکی از آنهاست. براساس این حقیقت و باتوجه به آمیزش مسالمت آمیز بومیان ایران با آریایی های مهاجر، این امکان وجود ندارد که اساطیر و تمدن ایران را در دوره حضور آریایی ها در این سرزمین مختص این قوم و بدون هیچ گونه آمیزش با اساطیر و تمدن بومیان پیش آریایی این سرزمین دانست؛ بنابراین با بررسی پیشینه های غیر آریایی هر اسطوره، همراه با ریشه های آریایی آن، شاید موفق شویم ارتباط نادیده گرفته شده میان این فرهنگ های بومی پیش آریایی ایران را با اساطیر و تمدن ایران در دروه های بعد کمی روشن تر کنیم.

ارتباط فریدون و انا با آب

انا/انکیگ همسر دملگنونه/دمکینه^۲ است و مادر او نمو^۳ یا تیامت است. پدر او آپسو/آبزو^۴ است. انا^۵ صورت سامی (اکدی و بابلی) و انکیگ/انکی^۶ صورت سومری این ایزد است و مردوک پسر او و دامکیناست. خانه زمینی انا شهر اریدو بود که در انتهای شمالی سرزمین سومر و کنار خلیج فارس واقع بود و از آبها برآمده بود (هال، ۱۳۹۲: ۳۲۴؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ۲۰؛ ژیران، ۱۳۸۹: ۶۹؛ Black & Green, 2004: 27, 75; Moradi, 2015: 244).

آپسو درواقع مخلوقی ابتدایی و نرینه و ایزد آب های شیرین و عاشق تیامت،^۷ ایزد مادینه آب های شور، است که انکیگ پس از کشتن او، روی جسد او خانه اش را بر فراز مگاک (جهان مردگان) بنا می گذارد. آپسو در زیرزمین و بالاتر از جهان زیرین بود و برای رفتن به

فریدون و انا هر دو در ارتباط با گرزگوسر، گاو، طب و نیروهای جادویی معرفی شده اند؛ البته هرکدام نمادهایی جداگانه نیز دارند. در اساطیر نیز، این دو موجود در ارتباط با آب و طب و جادو و دارای نیروی حمایت کننده معرفی شده اند.

این مقاله از نظر ماهیت در ردیف پژوهش های نظری است؛ اما از نظر هدف پژوهش، در گروه پژوهش های تاریخی فرار می گیرد که به شیوه توصیفی تحلیلی نوشته شده و با روش کتابخانه ای و با استفاده از اسناد موجود گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

این پژوهش رابطه میان فریدون را با ایزد آب در تمدن ایلام بررسی می کند؛ بنابراین منابع از طرفی به تمدن ایلام با پیشینه میان رودانی آن محدود است و از طرفی دیگر، دربرگیرنده بررسی اسطوره فریدون با در نظر گرفتن پیشینه هندوایرانی آن است. باتوجه به این مطلب، منبع مستقیمی برای بررسی این ارتباط وجود ندارد و تنها مقاله هایی به طور غیرمستقیم، جزئیاتی از این موضوع را بررسی کرده اند. مقاله هایی که در این باره نوشته شده است عبارت اند از: مقاله محمود جعفری دهقی و مجید پوراحمد با نام «گرزگوسر فریدون و منشا آن» (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، مقاله «فریدون و جادو» (۱۳۸۵) اثر وحید رویانی و نیز مقاله «معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او در سنت های اساطیری و حماسی ایران» (۱۳۸۸) نوشته چنگیز مولایی. تمامی این مقاله ها جزئیاتی از شخصیت فریدون را باتوجه به پیشینه هندوایرانی آن بررسی می کنند. هرکدام از این مقاله ها، به بخش هایی از شخصیت فریدون با توجه به پیشینه هندوایرانی آن اشاره می کنند.

اِنا/انکیگ در میان رودان خدای آب‌های تازه و شیرین، ایزد خرد و منشأ تمام دانش‌ها، در اصل با ایزد زمین متفاوت بود. انکیگ تهیه‌کننده آب‌های شیرین، ایزد خالق و سرنوشت‌ساز است و با خرد و سحر و جادوست. صورت سومری این ایزد انکی/انکیگ است که در اقیانوس آب تازه‌ای به نام آپسو مقیم است که زمین آن را احاطه کرده است و زمین بر روی آن شناور است. در واقع، آپسو زیرزمین ولی بالاتر از جهان زیرین قرار دارد (وارنر، ۱۳۸۹: ۱۸۹؛ هال، ۱۳۹۲: ۳۲۴ و ۳۲۵؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ۱۷ تا ۲۰؛ ژیران، ۱۳۸۹: ۶۸-؛ Black & Green, 2006: 52, 128; 129).

نام فریدون در اوستا ثریتونه^۸ است؛ به علت ریشه‌شناسی واژه از ثریته آبتیه^۹ گرفته شده است. قسمت نخست این نام از ثریته^{۱۰} به معنای دارنده سه توانایی و قدرت است و نسب او در اوستا اتویانویش^{۱۱} خوانده شده است (مولایی، ۱۳۸۸: ۱۵؛ Bartholomae, 1904, 178). در متون پهلوی نام او فرِدون/افریدون^{۱۲} و در متون دوره اسلامی نام او فرِدون/فریدون/فریدون^{۱۳} آمده است (Tafazzoli, 1999: IX, 531). ثریته آبتیه، ایزدی ودایی بود که دو شخصیت به نام ثریته^{۱۴} و آتویه^{۱۵} داشت. نام ثریته گاه تنها می‌آمد و گاه با نام آبتیه که از آب گرفته شده بود. ثریته آبتیه ایزدی بود که با آسمان‌ها ارتباط تنگاتنگی داشت؛ زیرا او کارکردهای متنوعی داشت که یکی از آنها در ابتدا ایزد آب‌های موجود در آسمان‌ها بود و بعدها نقش خدای آب‌های روی زمین، مانند دریاها را به دست آورد و در جایگاه خدای آب‌ها شناخته شد که این ممکن است با صفت آبتیه برای او در ارتباط باشد (Bartholomae, 1904: 178; MacDonell, 1897: 8, 67- 69; Molaie, 1398: 152).

جهان زیرین باید از آن عبور می‌کردند. به حوض‌های آب مقدس در حیاط معابد نیز آپسو می‌گفتند. گاهی او در حال نشسته بر آبزو، در حالی نشان داده شده که پیرامونش با کانال‌های آب احاطه شده است (Black & Green, 2004: 27؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ۱۷ تا ۱۹).

تندیس‌هایی از این انسان‌ماهی‌ها در کنار بیمار یا در پی ساختمان‌ها یافت شده‌اند؛ از این‌رو آنها را نوعی محافظ با نیرویی جادویی نیز می‌توان دانست. از آنجایی که در بسیاری مواقع این پیکرک‌ها در گروه‌هایی هفت‌تایی دفن شده‌اند، آنها را در ارتباط با هفت خردمند و نماد آنها را در ارتباط با خرد و دانایی دانسته‌اند (Black & Green, 2004: 83).

در نمادسازی آشور و بابلی و کاسی، چهارپای اِنا بُزماهی است. گاه با نام بزکوهی آپسو خوانده می‌شود و با کشتن آپسو، با آن یکی می‌شود. نماد اِنا چوب‌دستی خمیده‌ای است که سرش قوچ و نیز لاک‌پشت است (هال، ۱۳۹۲: ۳۲۵؛ شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۲۹۳؛ Black & Green, 2004: 129). در هنر نو آشوری، نماد زن‌ماهی و مردماهی در حکم جادوی محافظ استفاده می‌شد. کاهنان نوآشوری جامه‌ای به صورت ماهی به تن می‌کردند؛ البته به نظر نمی‌رسد همواره لباس آنها تمام‌شکل از پوست ماهی بوده باشد بلکه شاید گاهی در دوخت و بافت پارچه برای تقلید از آن نقش تلاش می‌کردند (هال، ۱۳۹۲: ۱۰۰؛ Black & Green, 2004: 34, 131).

اِنا را همچون بزی با دُم‌ماهی تصویر کرده‌اند؛ البته او را به صورت انسانی در نظر گرفته‌اند که از شانه‌های او یا از گلدانی که در دست اوست امواج فراوان می‌جهد (ژیران، ۱۳۸۹: ۶۹). او در اساطیر، نخست پیش از اینکه بر آپسو مسلط شود سرچشمه خرد و هوشمند و دراک خوانده می‌شد. در سرای او سرنوشت آیندگان رقم می‌خورد (ساندرز، ۱۳۸۷: ۲۰).

اسدی طوسی لشگر گرشاسپ را که در واقع از زبردستان فریدون است، لشکری از جنس موج و موجودات دریایی معرفی می‌کند. در جای دیگر گرشاسپ‌نامه آمده است که پس از پیروزی فریدون بر ضحاک، زمین پر از آب شد و چشمه‌های گوناگونی از آب جاری شدند و زمین و زندگی را سرسبز کردند (اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۳۰۰). در کوش‌نامه، پدربزرگ مادری فریدون شاه جزیره بسیلاست که باید با کشتی و از راه دریا به آنجا رسد. ایران‌شان او را کشتی‌ساز و صاحب کشتی معرفی کرده است (ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۴۴۲ و ۴۴۳). در جای دیگر از کوش‌نامه، کارن اسبی را از آب می‌گیرد و آن را به فریدون هدیه می‌دهد. این اسب اسبی بالدار است که هیكلی درشت و استوار و ورزیده و تنی نامرئی، همچون دیوان، دارد و صورت او همچون سیم رخشان است و یالی بسیار زیبا دارد. او بسیار تیزروست و شیهه‌اش همچون آتش است. این اسب همچون نهنگ و موجودات دریایی در آب شنا می‌کند و رنگش سیاه است که هم‌معنی نام سیاوش، به معنای اسب سیاه، است و به شباهت این اسب با نام سیاوش اشاره می‌کند و نام این اسب را بهزاد معرفی می‌کند (ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۴۴۸). در متن خاصیت مهره‌ها، درباره‌ی ارتباط فریدون و آب متن مبهمی آمده است که جاری شدن یا جاری نشدن آب از چشمه و کوه را به فریدون نسبت می‌دهد (روایت پهلوی، ۱۳۹۱: ۳۵۷).

پدر انا و فریدون

پدر انا آپسو است (Black & Green, 2004: 27,) 75؛ هال، ۱۳۹۲: ۳۲۴؛ ساندرز، ۱۳۸۷: ۲۰؛ ژیران، ۱۳۸۹: ۶۹؛ 244 (Moradi, 2015). آپسو/آبزو تأمین‌کننده‌ی آب‌های شیرین تمام رودها، رودخانه‌ها،

در شاهنامه فریدون همان شخصی است که وقتی می‌خواهد از اروندرود با کشتی بگذرد، نگهبان کشتی‌ها به فرمان ضحاک از سوارشدن او جلوگیری می‌کند؛ سپس فریدون با همراهانش بدون کشتی و با اسب از اروندرود گذر می‌کند (شاهنامه، ۱۳۶۶: ۶۲/۱)؛ ولی در اخبار الطوال، دینوری این ویژگی را به کیخسرو نسبت می‌دهد که سوار بر اسب پدرش می‌شود و اسب او را از دریا عبور می‌دهد (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۸). ثعالبی براساس اخبار و سنن، شکل گرز فریدون را معین می‌کند و آن را گرز گاو سر معرفی می‌کند (ثعالبی، ۱۳۸۵: ۱۶). ابن‌بلخی نیز گرز فریدون را گرز سیاه‌رنگ گاو سر می‌داند (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۳۶).

علاوه بر پهلوانان و ایزدان ایرانی، گرز سلاح برخی پهلوانان هندواروپایی نیز بوده است؛ اما ویژگی خاص فریدون در شکل گاو سر این گرز است (جعفری دهقی، ۱۳۹۲: ۴۲ و ۴۳). بیرونی می‌گوید برخی در زمان او فریدون را با نوح یکی دانسته‌اند و او یکی‌بودن این دو شخصیت را رد کرده است (بیرونی، ۱۳۸۹: ۱۷۷). طبری به این اشاره می‌کند مردم بر این باورند که خداوند در زمان ضحاک نوح را برای هدایت او آورده بود و در سیل نوح، جز نوح و اعقاب و همراهانش کسی زنده نمی‌ماند. او در جایی دیگر می‌آورد نسب‌شناسان پارسی می‌گویند نوح همان فریدون بود و از نظر طبری، دلیل آن یکی‌بودن داستان این دو است (طبری، ۱۳۷۵: ۹۲/۱ و ۹۹). در گرشاسپ‌نامه درباره‌ی سپاه گرشاسپ برای پیوستن به فریدون چنین آمده است:

چو دریا دمان لشکر فوج فوج

در او هر سواری یکی تند موج

به هر موج اندر نهان یک نهنگ

زشمشیرش دندان، از خشت چنگ

(اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۲۹۵)

(مسعودی، ۱۳۸۷: ۲۱۹/۱). مسعودی تنها فردی است که نام او را اثقبان معرفی کرده است و باید در ضبط این نام اشتباه کرده باشد. شاید بتوان گفت اثقبان صورت دیگری از آبتین^{۲۶} بوده است؛ زیرا فریدون از نام هندوایرانی ثریتونه^{۲۷} گرفته شده و اثویه/آبتیه^{۲۸} از واژه آب/آب گرفته شده است و به نظر می‌آید آن نام با اپامنیات^{۲۹} مرتبط باشد (Bartholomae, 1904: 178; MacDonell, 1897: 69) را می‌توان جمع‌ساز دانست که بنا بر آن ممکن است این نام را به صورت «آب‌ها، آب‌های پاک، از خاندان آب‌ها» دانست. در واقع، نسب انا به آب‌های تازه اقیانوس‌ها یا آپسو برمی‌گردد که انا پس از پدر جانشین او در آپسو می‌شود.

چنانکه می‌بینیم نسب فریدون به آب‌تن‌ها برمی‌گردد که می‌توان گفت این فریدون و ایزد آب انا نسبت به آب گره خورده است. از طرفی، بیرونی پدر فریدون را در زمان زندگی فریدون زنده و صاحب گاوهای بسیار می‌داند که ضحاک از او گرفته بود و فریدون آنها را در ۱۶ مهرماه آزاد کرد که مردم آن را جشن می‌گرفتند (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۴۶). طبری نیز اجداد او را صاحب گاو می‌داند. او می‌گوید آنها هرکدام با انواع گاوهای خود از هم شناخته می‌شدند که نام پدر او اثقبان پرگاو بود که پرگاو به معنای دارنده گاوهای بسیار است (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۰/۱).

این ارتباط هم‌زمان فریدون با آب و گاو بسیار جالب است. در این دیدگاه، فریدون از نسل آب‌هاست که به واسطه پدرش دارنده گاو نیز است. این ارتباط میان آب و گاو را می‌توان در ایزد انا نیز مشاهده کرد که او هم پسر آپسو است و چنانکه در ادامه خواهد آمد، او دارنده گاو یا بز در حکم نمادی حیوانی است.

چاه‌ها، دریاچه‌ها، دریاها و اقیانوس‌هاست. در واقع، انا پس از قتل پدر به جای او نشسته و خانه‌اش را بر روی جسد او بنا نهاده است (Black & Green, 2004: 27).

در منابع گوناگون به نام پدر فریدون اشاره شده است: در اوستا یشت ۹ بند ۷ نام او آثویه^{۱۶} برابر با آبتیه آمده است؛ در سانسکریت،^{۱۷} صفت اثویانو^{۱۸} نام خاندان فریدون است (Bartholomae, 1904: 178; Tafazzoli, 2014: 248). آثویه برابر با آبتیه است و از واژه آب/آب^{۱۹} به معنای «آب» بوده است (MacDonell, 1897: 68). در متون پهلوی، نام پدر فریدون به صورت واژه اسپیان/اسویان^{۲۰} آمده است (Bartholomae, 1904: 178; Tafazzoli, 2014: 248). براساس دینکرد، نام او اسپیکانان^{۲۱} و اسپیکان^{۲۲} نقل شده است (Dīnkard, 1897: VII, 10; 1892: IX, 214). فروردین‌یشت، کرده ۲۹، بند ۱۳۱، نام پدر فریدون را آثوی/آثویانو^{۲۳} آورده است (2013: 287, 358).

در متون پهلوی، نام او به صورت اثقبان/آسپیان^{۲۴} بیان شده است (Faranbaq Dadagi, 2006: 145; Bundahesh, 2009: 118; Zādspram, 2011: 56, 477). در برخی متون نام پدر فریدون آبتین ذکر شده است (فردوسی، ۱۳۹۲: ۲۱؛ ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۲۰۳ و ۴۳۵). برخی منابع دیگر نام پدر فریدون را اثقبان^{۲۵} دانسته‌اند (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۴۵؛ بندهش هندی، ۱۳۸۸: ۱۱۸؛ زاداسپریم، ۱۳۹۰: ۵۶؛ ابن‌الندیم، ۱۳۸۱: ۲۰؛ بیرونی، ۱۳۸۹: ۱۴۶؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶؛ طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۰/۱). به گفته برخی منابع، پدران فریدون را تا ده پشت اثقبانان می‌نامند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۰/۱؛ فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۴۵؛ بندهش هندی، ۱۳۸۸: ۱۱۸؛ زاداسپریم، ۱۳۹۰: ۵۶).

مسعودی نام پدر او را اثقبان دانسته است



تصویر قسمت بالایی کودورو (Harper, 1992: 180)



تصویر ایزد و شاه بر روی مهر (پاتس، ۱۳۹۱: ۲۴۲)

روی استلی که از اونتاش‌نایپیرشا باقی مانده است، نقش چهارپای انا به شکل گاو‌مرد/وزرا انسان دیده می‌شود. وزراهای انسان‌نما از دوره پیش‌ایلامی (اوایل هزاره سوم ق.م) در حجاری‌ها نمود می‌یابد. پیکره گاو‌مرد با سر و سینه انسانی و شاخ‌ها و پایین‌تنه و پاهای گاو‌شکل، نخستین بار در نیمه نخست سلسله آوان روی مهرهای استوانه‌ای دیده شد. او به‌طور معمول به‌صورت نیم‌رخ نشان داده شده است و یک شاخش به‌طرف جلو بیرون آمده است. البته در مواقع نادری تمام بالاتنه یا فقط سر به‌صورت تمام‌رخ دیده می‌شود. او به‌تنهایی یا دوتایی یا سه‌تایی در صحنه‌های نبرد دیده می‌شود و در حالی که روی دو پا ایستاده است، به‌طور حتم موجود دیگری در حال نبرد با او

چهارپای انا و فریدون

انکی/انا در دوره ایلام کهن به ایلام وارد شد و پیش این او از خدایان بیگانه بود؛ ولی پس از اندکی، در رده خدایان ایلامی پذیرفته و پرستیده شد و نمونه‌های متعددی از این ترکیب موفق اعتقادات میان‌رودانی و ایرانی را در حضور تندیس‌ها و نقوش گوناگون ترکیبی انسان‌ماهی و بزماهی می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۵۷؛ Hesari, 2014: 38).



تصویر استل کودورو^{۳۱} یافته‌شده از شوش (Harper, 1992: 180)

در میان یافته‌های موسوم به کودورو از شوش، استلی وجود دارد که به نظر می‌آید شاه کاسی ساخته است و شاید به همراه دخترش که همسر اونتاش‌نایپیرش^{۳۲} (۱۲۷۰ تا ۱۲۴۰ ق.م) بود به این سرزمین آورده شده است. بر روی این استل، حیواناتی که نماد هر ایزد به شمار می‌آیند در کنار نمادهای آن انا بزماهی در حال نگهبانی از نمادهای انا دیده می‌شوند. بر روی کودوروپی بابلی هم نقش نمادهای انا با نگهبانی این بزماهی دیده می‌شود. بر روی مهری از انشان، نقش انا همراه با بز مشاهده می‌شود. این بز چهارپای اوست و گاه در ترکیب با انسان یا ماهی دیده می‌شود و در اینجا، به‌تنهایی در کنار انا قرار دارد.

اِنا بزماهی است. گاه با نام بزکوهی آپسو خوانده می‌شود و با کشتن آپسو، با آن یکی می‌شود (شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۲۹۳؛ Black & Green, 2004: 75).

از دوره ایلام میانه حوضی آئینی از جنس سنگ آهک وجود دارد که بزماهی‌هایی گرداگرد آن نقش شده‌اند (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۹۰). چنانکه گفته شد این بزماهی‌ها حیوانات اِنا هستند که او بر آنها سوار می‌شود؛ از آنجا که آنها بر دیواره این حوضچه نقش شده‌اند و چون روی آنها آب حوض سوار است، این حوض استعاره از آپسو و محل زندگی اِناست. همان‌طور که اشاره شد، حوض‌های معابد نیز آپسو خوانده می‌شدند و این حوض نمودی از همان اعتقاد را نشان می‌دهد. چنانکه روی کلاه‌خود نیز مشاهده کردیم ایزدانوان دو طرف مردماهی دارای سُم‌های چهارپایان بودند و همراه شدن آنها با مردماهی شاید نمادی از این حیوان اِنا باشد. از آنجا که او نیز مانند مردماهی کلاه چندطبقه ایزدان را بر سر دارد، باید او را نیز از ایزدان و دارای نیرویی فراطبیعی دانست. روی مَهری اثری از یک الهه به چشم می‌خورد که الهه روی چهارپایی نشسته است و یک بزماهی زیر پای او قرار دارد.



تصویر مَهری از شوش (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۹۱)

بزماهی و انسان‌ماهی از موجودات وابسته به خدای آب بودند؛ البته ارتباط ماهی با خدای آب‌ها رابطه‌ای

ظاهر می‌شود. در هنر کاسی او علاوه بر نبرد، در جایگاه ملازم خدای شمش نیز ظاهر می‌شود. در صحنه‌ای از یک لوح بابلی کهن، یک جفت از آنها تخت شاهی را نگه داشته‌اند. تا دوره نوآشوری ارتباط او با شمش بسیار کم‌رنگ شد و بیشتر در نقش نیرویی محافظ و مخلوق نیکوکار، در ساخت ساختمان‌ها برای دفع اهریمن دیده می‌شود (Black & Green, 2004: 49).



تصویر بزماهی در دیواره حوض (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۹۱)

بزماهی با سر و پاهای جلویی به شکل بز و بدنی به شکل ماهی، از دوره نوسومری در میان‌رودان متداول شد. این موجود بیشتر در حکم چهارپای انکی مطرح بود؛ به این معنی که انکی یا روی آن می‌نشست یا همان‌گونه که نمونه‌اش دیده شد، خدای نشسته پاهای خود را روی بزماهی قرار می‌داد. این حیوان در نقش نوعی محافظ جادویی بود که به‌طور معمول با انسان‌ماهی همراه بود (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۹۰). در آیین‌های پرستش آشوری، چنین پیکره‌هایی پدیدار می‌شود. هویت این مخلوق با نام سوهورمشو،^{۳۲} یعنی ماهی‌کپور- بز معرفی می‌شود. وابستگی او با اِنا/انکی را متون ثابت کرده‌اند. این پیکره نوعی محافظ جادویی بود که در نقوش بیشتر با انسان‌ماهی همراه است (Black & Green, 2004: 93). چنانکه پیش از این آمد، در نمادسازی آشوری و بابلی و کاسی، چهارپای

است که با شیر خود باعث پروریدن او شده و نیمی از وظیفه مادری را برای او برعهده گرفته است. ارتباط فریدون با گاو به شکلی است که برای کشته شدن گاو دست به انتقام بزند و در واقع، در این داستان ضحاک پدر و به نوعی مادر فریدون را کشته است. بیرونی و طبری می گویند فریدون ضحاک را به قصاص کشتن گاو نری می کشد که در خانه جد او بوده است (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۳۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ۹۹/۱).

بنا به گفته بیرونی، در روز از شیرگرفتن فریدون، برابر با ۱۶ مهرماه، گاوی با شاخ هایی از طلا با پاهایی از نقره در آسمان ظاهر می شود که چرخ ماه را می کشد. در این شب، بر کوه شبه گاوی سپید ظاهر می شود که اگر دوبار صدا برآورد سال پر از فراوانی خواهد بود؛ اما او از قول بابلی می گوید برخی مردم آن روز را شوم می دانند و می گویند این روز جشن جنیان است و شب را تا صبح بیدار می مانند (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۴۶ و ۳۴۷). شاید این شعر موجود در گرشاسپ نامه را بتوان نشانی از این باور دانست:

چو در برج شاهین شد از خوشه مهر
نشست او به شاهی سر ماه مهر
بر آرایش مهرگان جشن ساخت
به شاهی سر از چرخ مه بر فراخت

(اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۲۹۳)

گرز گاوسر

در میان سمبل های انا گرز گاوسر دیده می شود که در کودوری ایلامی و میان رودانی، این عصا در کنار دیگر وسایل انا دیده می شود. در کودوری ایلامی و میان رودانی عصای انا با سر قوچ در کنار وسایل مقدس اناست (Harper, 1992: 180) و در مهر انشانی، روی مژهی از مژه های ایلامی، نقش انا با عصای گاوسر

طبیعی به شمار می رفت و از آنجا که انا، خدای آب، ایزد خردمندی بود ماهی نیز نماد عقل و خرد محسوب می شد (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۸۹). تندیس تنگ سروک را به احتمال باید به دوران نوایلامی مربوط دانست (Hesari, 2014: 39). در پاسارگاد نمونه ای از پاهای دو تندیس باقی مانده که در یکی از آنها فردی با پاهای انسانی نقش شده است که گویی بر یکی از پاهای خود پوششی از ماهی دارد و فرد دیگری با دو پای سم دار شبیه پای چهارپایان دیده می شود (Moradi, 2015: 253). این نقش نشان دهنده کاهنی مربوط به ایزد اناست که مطابق رسوم هزاره نخست ق.م، لباس او به شکل ماهی تزیین شده است (حیدری شکیب، ۱۳۹۱: ۶۰؛ گدار، ۱۳۷۷: ۱۱۱).



تصویر دو موجود در دو طرف دروازه کاخ بارعام در پاسارگاد

در اسطوره فریدون، او با موجودی به نام گاو همراه است که به گفته فردوسی، میان او و گاو ارتباط خاصی دیده می شود:

یکی گاو برمایه خواهد بدن

جهانجوی را دایه خواهد بدن

(فردوسی، ۱۳۹۲: ۲۰)

براساس این بیت و بیت های بسیاری درباره گاو برمایه، گاو عنصری مهم است و با به وجود آمدن موجودی به نام فریدون ارتباط تنگاتنگ دارد. این گاو

خود دیده می‌شود (پاتس، ۱۳۹۱: ۲۴۲). وجود نقش این گاو یا قوچ را بر سر عصای انا در میان یافته‌های ایلامی باید نشانی از نفوذ این ایزد در میان ایلامی‌ها دانست که حضور پرستش او در ایلام نیز با نمادهای او، از جمله عصای گاوسر، همراه بوده است. در استل‌اوتش‌نپیرش نیز مجموعه‌ای از نمادهای مربوط به ائای میان‌رودانی همراه با ایزد نپیرش می‌بینیم که به احتمال، از جایگزینی نپیرش به جای ائای میان‌رودانی در تمدن ایلام نشان دارد. در این استل و در ردیف نخست آن، ایزد مارسوار را با کلاه چندطبقه انا با حلقه و عصای گاوسر ائای می‌بینیم (آمی، ۱۳۸۱: ۵۸؛ Black & Green, 2004: 102).



تصویر استل‌اوتش‌نپیرش (Harper, 1992: 128)

در اسطوره فریدون از گزری گاوسر نام برده شده است که این گرز و کارکرد آن را در اساطیر ایرانی پس از ورود آریایی‌ها می‌توان بررسی کرد:

- در شاهنامه، یکی از کارکردهای گرز گاوسر جنگاوری است که پهلوانان و سپاهیان در مواقع خاص در جنگ از این سلاح بهره می‌گرفتند. در شاهنامه، در این باره و در جنگ فریدون و ضحاک از زبان فریدون

چنین آمده است:
 چو تنگ اندر آورد با من زمین
 برآختم این گاوسر گرز کین
 به نیروی یزدان گیهان خدای
 برانگیختم پیلتن را ز جای
 زدم بر سرش گرزۀ گاوچهر
 برو کوه بارید گفתי سپهر

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۳/۱)

در شاهنامه، در این باره برای پهلوانان دیگر ایرانی نیز بیت‌هایی موجود است.^{۳۳}

- کارکرد دیگر آن نماد شاهی است که از جلوه‌های آن در شاهنامه داستان ضحاک است. زمانی که ضحاک با ارنواز در کاخ شاهی در خواب فریدون را در حال برانداختن حکومتش می‌بیند، فریدون چنین توصیف شده است:

دو مهتر یکی کهتر اندر میان
 به بالای سرو و به فر کیان
 کمر بستن و رفتن شاهوار
 به چنگ اندورن گرزۀ گاوسار
 دمان پیش ضحاک رفتی به جنگ
 زدی بر سرش گرزۀ گاورنگ

پاسخ پیشکار ضحاک به او در توصیف فریدون

چنین است:

چنین داد پاسخ ورا پیشکار
 که مهمان که با گرزۀ گاوسار
 به مردی نشیند به آرام تو
 زتاج و کمر بسترد نام تو

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۷۹/۱، ۵۸)

البته در توصیف قهرمانان دیگر نیز بیت‌هایی در شاهنامه دیده می‌شود.^{۳۴}

در داستان فریدون، ارتباط افراد گرزدار با آب وقتی خود را نشان می‌دهد که چون کشتیان مانع عبور او از

است که با نیروی فرشتگان و نیروی ایزدی بر ضحاک پیروز می‌شود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷). نویسنده تاریخ طبرستان نیز گرز فریدون را گاوسر می‌داند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۷۵/۱). طبری نیز گرز او را گاوسر می‌نامد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۰/۱).

در میان نمادهای میان‌رودانی و ایلامی، انا عصای گاوسر مشهود است که کارکرد آن در دست انا برای ما مشخص نیست و صورت دیگری از این نماد را به صورت گریزی گاوسر در دست فریدون مشاهده می‌کنیم که از ویژگی‌های فریدون است و خود او برای نخستین بار آن را ساخته است. از آنجا که فریدون از این گرز برای کشتن ضحاک استفاده کرد و البته از آنجا که این گرز در دست دیگر پهلوانان ایرانی دیده می‌شود، باید آن را نمادی از جنگاوری دانست. از سوی دیگر، این عصا در دست شاهان بوده است و فقط گاهی در حکم نماد شاهی از آن بهره برده‌اند و نماد شاهی نیز است و اگر آن را عصای انا ایزد آب و فریدون با نیروهای ایزدی بدانیم می‌توان آن را نمادی از نیروهای ایزدی نیز دانست. پس در واقع، باید این گرز را نمادی از جنگاوری و شاهی همراه با حمایت نیروهای ایزدی پنداشت.

فریدون و ایزد آب ایلامی در طب

انسان‌ماهی‌ها از دیگر نمادهای مرتبط با انا هستند. در هنر بابل و آشور، نمونه‌های بسیاری از انسان‌ماهی‌ها از جنس سنگ و فلز وجود دارد. تصویر مردمایی که لباسی از ماهی پوشیده است از دوران ساراگن II، ۳۵^{۳۵} مربوط به ۷۰۴ تا ۷۰۴ ق.م، از میان‌رودان به دست آمد است (Hesari, 2014: 38).

بزماهی با سر و پاهای جلویی به شکل بز و بدنی به شکل ماهی، از دوره نوسومری در میان‌رودان متداول

رود می‌شود از روی آب بدون کشتی رد می‌شود. فردوسی این ویژگی شاه را نیز نمادی از فره کیانی او می‌داند که البته سپاهیان نیز همراه او با اسب‌ها به آب داخل می‌شوند و این‌گونه از راه اروندرود به بیت‌المقدس می‌رسند (فردوسی، ۱۳۶۶: ۷۴/۱). از طرفی، نام پدر او آبتین است که ضحاک او را کشته است و مرگ پدر از علت‌های قیام او علیه ضحاک است (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶۱/۱ و ۶۲ و ۷۱).

در دینکرد فقط به گرز فریدون اشاره شده و به شکل آن اشاره‌ای نشده است (Müller(eds, 1897: IX, 214). در اوستا و هیچ‌یک از متون پهلوی، به جز یک متن، درباره‌ی گاوسر بودن گرز فریدون مطلبی نیامده است و آن متن نیز داستان دینگ است که در آن آمده است سامان گرشاسپ با گرز گاوسر ضحاک را درهم می‌کوبد. این گرز همان است که فریدون با آن ضحاک را به بند کشید و در آخر زمان، گرشاسپ با آن او را می‌کشد (جعفری دهقی، ۱۳۹۲: ۴۳).

در اوستا درباره‌ی گرز فریدون آمده است که استوت‌ارته، پیک اهورامزدا پسر ویسپ‌تورویری، از آب کیانسه برآید و گرز فریدون را آورد که گریزی پیروزی بخش است و فریدون با آن ضحاک را کشته است. همان گریزی که هنگام کشتن زین‌گاو همراه داشت و کیخسرو هنگام کشتن افراسیاب داشت و کی گشتاسپ، آموزگار اشته، برای سپاهیان داشت (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۵۰۲/۱).

در متون اسلامی، بارها به گاوشکل‌بودن گرز فریدون اشاره شده است (جعفری دهقی، ۱۳۹۲: ۴۳). اسدی طوسی تنها او را صاحب گرز می‌داند (اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۳۲۴). در کوش‌نامه نیز گرز فریدون گاوسر معرفی شده است (ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۴۴۹). در زین‌الخبار نیز فریدون دارای گرز گاوسر معرفی شده

در فروردین یشت کرده ۲۹ پاراگراف ۱۳۱ آمده است فریدون یا ثریتونه^{۳۶} برای محافظت از ضعف و بیماری و ناتوانی ستایش می‌شود (۱۳۹۲: ۱۱۲، ۳۵۸). در دینکرد هشتم بند ۲۹ همچنین آمده است که او نخستین فردی بود که پزشکی و درمان را پایه نهاد (Müller (eds.), 10: 1897). در کتاب راسته آمده است که در میان اقوام هندواروپایی، پزشکی کاری ایزدی بود و به این علت دو اشون در هند و فریدون در ایران این نیرو را داشتند (راسته آموزه پزشکی مغان، ۱۳۹۰: ۱۱).

در نیرنگ زهرستن آمده است فریدون نیو زهر و سم تمام خرفستران را با نیروی خود و یاری ستاره و نند شفا می‌دهد (متن‌های پهلوی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). در شاهنامه، ایزد سروش او را در هنگام جنگ با ضحاک راهنمایی می‌کند و آمده فره کیانی را ایزد به او داده است (شاهنامه، ۱۳۶۵: ۸۴/۱، ۱۲۸). گردیزی نیز او را پیامبری می‌داند که ایزد نیروسنگ (نیوسنگ) به او وحی می‌فرستد و می‌گوید پس از زنده ماندن فریدون از سوء قصد، برادرانش همه مطمئن شدند هر کاری او می‌کند از تأیید آسمانی است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶).

در متون اسلامی، فریدون نخستین فردی معرفی می‌شود که لقب کی داشت و معانی آن پاک و روحانی و شکوهمند است. در جای دیگر او را نخستین طیب و منجم می‌دانند (طبری، ۱۳۷۵: ۹۹/۱ و ۱۰۰؛ بلعمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۹۰ و ۹۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹)؛ نیز او نخستین فردی معرفی شده است که از تریاک برای پزشکی بهره گرفت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۹۰ و ۹۱). در برخی متون نیز فریدون فردی دارای نیروهای جادویی معرفی شده است که البته سحر را نیز باطل می‌کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶ و ۳۷؛ فردوسی، ۱۳۶۵: ۷۵/۱، ۸۴، ۱۰۳ تا ۱۰۶). چنین به نظر می‌آید که در داشتن نیروی روحانی و دانش طب، میان موجودات همکار ایزد انا با فریدون ارتباطی وجود داشته است که البته به علت کمبود منابع، درباره چگونگی این نیرو اطلاعاتی در دست نیست.

شد. این موجود بیشتر در حکم چهارپای انکی مطرح بود؛ به این معنی که انکی یا روی آن می‌نشست یا همان گونه که نمونه‌اش دیده شده، خدای نشسته پاهای خود را روی بزماهی قرار می‌داد. این حیوان در نقش نوعی محافظ جادویی بود که به‌طور معمول با انسان‌ماهی همراه بود (پورفرسنگی، ۱۳۹۰: ۹۰). در آیین‌های پرستش آشوری چنین پیکره‌هایی پدیدار می‌شود. متون وابستگی او را با انا/انکی ثابت کرده‌اند. این پیکره نوعی محافظ جادویی بود که در نقوش بیشتر با انسان‌ماهی همراه است (Black & Green, 2008: 49).



تصویر مردماهی از کاخ ساراگون II (Black & Green, 2004: 131; Hesari, 2014: 38)

برخی پژوهشگران پیکره‌هایی از انسان‌هایی یافته‌اند که در بالانته لباسی از ماهی بر تن دارند و آنها را کاهنانی می‌دانند که در کنار بستر بیمار چنین لباسی بر تن دارند (Black & Green, 2004: 93). در هنر ایلامی این انسان‌ماهی‌ها را نیز می‌توان یافت که نمونه‌ای مادینه از آن در استل‌اونتش‌نپیرش (آمیة، ۱۳۸۱: ۵۸; Harper, 1992: 129) دیده می‌شود. به نظر می‌آید میان انسان‌ماهی که از موجودات انا بوده، با بیماران و طب ارتباطی وجود داشته است. در لوحه‌ای نوآشوری، یک جفت گاو مرد در حال نگهبانی از تخت ایزدی‌اند (Black, & Green, 2004: 49).

نتیجه

نمونه‌های موفق این اتحاد فرهنگی دانست. پذیرش مهاجران در میان ایرانیان و یافتن اشتراک‌هایی میان این اقوام تازه‌وارد با ساکنان ایرانی و جذب آنها در فرهنگ ایرانی و به‌نوعی ایرانی‌کردن آنها روندی است که از هزاره‌های گذشته تاکنون همواره از ویژگی‌های مثبت فرهنگی ایران بوده است. شاید بتوان این نمونه‌های فرهنگی را از نخستین نمونه‌های این پذیرش و مدارا و اتحاد دانست.

پی‌نوشت

۱. Untash- Napirisha، او شاه ایلامی از سلسله ایگی‌هلکی (Ige-halki) است. اونتاش‌نپیرش (۱۳۴۰ تا ۱۳۰۰ ق.م)، خدایان خارجی را مانند خدایان ایلامی تأیید می‌کند و برای آنها نیز معابدی وقف می‌کند. از او کتیبه‌های بسیاری برجای مانده است. معبد زیگورات چغازنبیل از ساخته‌های اوست.
۲. Damkina/Damgalnuna، دمگلنونه نام سومری ایزدبانو دمکینه است. در روزگار نخستین، ماهی در شهر لاگاش به او اهدا می‌شد. او به احتمال یک الهه مادر بود که هویت مستقلی در جایگاه همسر انکی پیدا کرده است. در اسطوره‌ای بابلی او وانا والدین مردوک بوده‌اند. حیوان او شیر و نماد او دب اصغر بوده است (نک. Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated در قسمت مربوط به Damkina / Damgalnuna).
۳. Nammu، ایزدبانو نمو خالق آن An و کی Ki و خدایان اولیه شامل انکی Enki می‌باشد. که البته در شعری سومری او بشر را نیز خلق کرده است (نک. Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated در قسمت مربوط به Nammu).

در اسطوره فریدون و انا شباهت‌هایی دیده می‌شود که ما را بر آن می‌دارد اسطوره فریدون را علاوه‌بر داشتن ریشه هندوایرانی، با صورت ایلامی اسطوره انا در ارتباط بدانیم. در واقع، شخصیت فریدون در متون ایرانی را شاید بتوان حاصل ترکیبی از ثریتونه هندوایرانی با انا ایلامی با ریشه میان‌رودانی بدانیم که پس از ترکیب عناصر مشابه فرهنگی، ثریتونه/فریدون با بن‌مایه هندوایرانی ایلامی در ایران به حیات خود ادامه داده است. با توجه به مسالمت‌آمیز بودن اسکان مهاجران هندوایرانی در کنار شهرهای بومیان نخست ایران، از جمله ایلامیان، این اختلاط بدون برخورد و کشت‌وکشتار بود؛ همچنین پذیرفتنی به نظر می‌رسد که ایرانیان و بومیان نخستین ایران بسیاری از اعتقادات و باورهای یکدیگر را همسان‌سازی کرده بودند که این باعث پذیرش و تفاهم جمعی شد و این همزیستی را مسالمت‌آمیز و موفق کرد. انا پسر آپسو، ایزد آب‌های روی زمین است و فریدون پسر آبتین/اثفیان (از آب‌ها، فردی که با آب در ارتباط است). حیوانات انا ماهی، بزکوهی، گاو یا صورت ترکیبی از این موجودات و انسان بوده است. فریدون نیز با گاو مرتبط بود و گاهی سپاهیان او به صورت موجودات دریایی شناخته می‌شدند.

انا و فریدون هر دو گرز گاوسر داشتند که گرز انا در بسیاری از نقش‌مهرهای ایلامی دیده می‌شود و گرز فریدون نیز در متون ایرانی موجود است. انا و فریدون هر دو با خرد و جادو و پزشکی و درمان بیماران مرتبط‌اند؛ پس چنانکه پیش از این آمد به نظر می‌رسد ثریتونه هندوایرانی با انا/نپیرش، ایزد آب ایلامی، ویژگی‌های مشترک فرهنگی داشت و باید تبلور این دو موجود اساطیری در وجود فریدون ایرانی را از

۱۸. *Āṣwyānāy-*
۱۹. *Āp/Āb*
۲۰. *Āsbīān/Āswīān*
۲۱. *Āspīkān*
۲۲. *Āsfīgānān*
۲۳. *Āṣway-/ Āṣwayanō*
۲۴. *Aṣfīān/Āspīyān*
۲۵. *Āṣfīān*
۲۶. *Ābtīn*
۲۷. *Graētaona*
۲۸. *Āṣwiya-/Ābtya*
۲۹. *Apām napāt*، ایزدبانو اپام نپات که در واقع او را تخمه/نژاد آب‌های زمین می‌دانند.
۳۰. *Ān*
۳۱. *Kudurru*، نوعی از سنگ‌نگاره که بر روی تخته‌سنگی نقش شده است.
۳۲. *Suhurmašû*
۳۳. سام (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۶۱، ۷۱، ۸۲)، زال (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۳۱۲)، رستم (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۲۲۷، ۲۳۱، ۳۸۸، ۳۹۰، ۷۲۸)، سهراب (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۱۸۰)، کیکاووس (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۲۳۷)، کیخسرو (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۴۴۵)، قارن (فردوسی، ۱۳۶۶: ۱/۲۹۹)، گیو (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳/۲۳۱)، کاموس کشانی (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳/۷۴)، دوازده‌رخ (فردوسی، ۱۳۶۶: ۴/۵۹)، گشتاسپ (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵/۵۵)، اسفندیار (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵/۱۵۳، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۵۸، ۲۷۷)، لهراسپ (فردوسی، ۱۳۶۶: ۵/۱۸۱)، بهرام گور (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶/۴۱۰، ۴۱۱)، نوشین‌روان (فردوسی، ۱۳۶۶: ۷/۴۰۳)، بهرام چوبینه (فردوسی، ۱۳۶۶: ۸/۷۳) و سپاهیان ایران‌زمین (فردوسی، ۱۳۶۶: ۲/۲۳۳)، سپاه اسکندر (فردوسی، ۱۳۶۶: ۶/۷۳)، سپاه سیاووش
۴. *Apsū/ Abzu*، ایزد آب‌های شیرین زیرزمین و جایگاه زندگی انا/انکی، همسرش دمکینه و مادرش نمو و موجودات تابع اوست. آپسو به معنای حوضچه آب مقدس نیز است (نک. Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated قسمت مربوط به *Apsū/ Abzu*).
۵. *Ea*
۶. *Enkig/Enki*، ایزد عقل و فرزاندگی، خدای اقیانوس های آب شیرین است که با خرد، جادو، هنر و صنایع ارتباط دارد (نک. Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated قسمت مربوط به *Enkig/ Enki*).
۷. *Tiāmat*، ایزدبانوی آب‌های شور و همسر آپسو، پس از آنکه او و همسرش برای کشتن فرزندانشان تلاش کردند به دست آنها کشته شدند (نک. Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated در قسمت مربوط به *Tiāmat*).
۸. *Graētaona-*
۹. *Trita-Āptya*
۱۰. *Srita-*
۱۱. *Āṣwyānōiš*
۱۲. *Afrīdūn/Frēdūn*
۱۳. *ferēydūn/ farīdūn/ Frēdōn*
۱۴. *Thrita*، ثریت یکی از افرادی که هوم می‌فشرد و نام او را با ثری/تری یا عدد سه مرتبط دانسته‌اند. او فردی است که در اساطیری هندوایرانی نخستین پزشک است.
۱۵. *Āthwya*
۱۶. *Āṣway-*
۱۷. *Skt. Āptya-*

رقیه بهزادی، چ ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
. پاتس، دنیل تی، (۱۳۹۱)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه
زهرا باستی، چ ۴، تهران: سمت.
. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک، (۱۳۸۵)، شاهنامه ثعالبی در
شرح احوال سلاطین ایران، ترجمه محمود هدایت،
تهران: اساطیر.
. دینوری، ابوحنیفه، (۱۳۶۶)، اخبار الطوال، ترجمه
محمود مهدوی دامغانی، چ ۲، تهران: نی.
. راسته آموزه پزشکی مغان، (۱۳۹۰)، ترجمه و تصحیح
رهام شه و مسعود میرشاهی، چ ۲، تهران: اساطیر.
. زاداسپریم، جوان جم، (۱۳۹۰)، وزیدگی‌های زاداسپریم،
ترجمه محمدتقی راشد محصل، چ ۳، تهران:
پژوهشگاه علوم انسانی.
. ژیران، ف. ل.، دلاپورت، گ.، لاکوئه، (۱۳۸۹)، اساطیر
آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چ ۴،
تهران: قطره.
. ساندرز، ن. ک.، (۱۳۸۸)، حماسه گیل‌گمش، ترجمه
محمداسماعیل فلزی، چ ۳، تهران: هیرمند.
. _____، (۱۳۸۷)، بهشت و دوزخ در اساطیر بین
النهرین، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران:
کاروان.
. شیشه‌گر، آرمان، (۱۳۹۳)، آرامگاه دوبانوی ایلامی از
خاندان شوتورنهنوته پسر ایندد، تهران: میراث
فرهنگی و صنایع دستی.
. طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه
ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: اساطیر.
. فردوسی، (۱۳۶۶)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی، به
کوشش احسان یارشاطر، ج ۸، نیویورک:
Bibliotheca persica
. فرنبرگ دادگی، (۱۳۸۵)، بندهش (ایرانی)، ترجمه
مهرداد بهار، چ ۳، تهران: توس.
. گردیزی، ابوسعید ابوالحی، (۱۳۶۳)، تاریخ گردیزی،

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۴۷/۱)، سپاه کیخسرو (فردوسی،
۱۳۶۶: ۳۴۳/۴) و سپاه کسری (فردوسی، ۱۳۶۶:
۱۶۷/۷) را باید از جمله جنگاورانی دانست که
فردوسی به آنها لقب گرزۀ گوسرداران را داده است.
۳۴. کیخسرو (فردوسی، ۱۳۶۶: ۳۸۹/۴۱)، کسری
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۷۳/۸)، کیکاووس (فردوسی،
۱۳۶۶: ۲۳۷/۱)، بهرام گور (فردوسی، ۱۳۶۶:
۴۱۰/۴).

۳۵. Saragun II، از شاهان قدرتمند اکدی که در دورۀ
حکومت او برای اختلاط خدایان سومری و اکدی
تلاش فراوان شد.

۳۶. Britaonahe

کتابنامه

الف. کتاب

. آمیه، پیر، (۱۳۸۱)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی،
چ ۵، تهران: دانشگاه تهران.
. ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد، (۱۳۲۰)، تاریخ طبرستان،
به تصحیح عباس اقبال، چ ۱، تهران: کلاله خاور.
. ابن بلخی، (۱۳۸۵)، فارسنامه، تصحیح گای لسترنج و
رینولد آلن نیکلسون، تهران: اساطیر.
. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۸۱)، فهرست، ترجمه
محمد رضا تجدد، تهران: اساطیر.
. اسدی طوسی، علی بن احمد، (۱۳۸۹)، گرشاسپ‌نامه،
تصحیح حبیب یغمایی، چ ۲، تهران: دنیای کتاب.
. اوستا، (۱۳۸۹)، گزارش جلیل دوستخواه، ج ۲، چ ۱۵،
تهران: مروارید.
. ایران‌شان، (۱۳۷۷)، کوش‌نامه، تصحیح جلال متینی،
تهران: علمی.
. بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۹)، آثار الباقیه، ترجمه اکبر
داناسرشت، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
. بندهش (هندی)، (۱۳۸۸)، بندهش (هندی)، ترجمه

ج. منابع لاتین

- . Black, Jeremy, Green, Anthony (2004), *God, Demons, and symbols of ancient Mesopotamia: an illustrated*, translated by Tessa Rickards, the British Museum press, London.
- . Bartholomae, Christian (1904), *Altiranishes Wörterbuch*, Verlag von Karl J. Trübner, strassburg.
- . Godard, André (1962), *L'Art De L'Iran*, Arthaud.
- https://books.google.co.uk/books?redir_esc=y&id=3ZYwAAAAMAAJ&dq=André+Godard&focus=searchwithinvolume&q=Ea
- . Harper, O., Aruz, Joan, Tallon, Françoise (1992- 93), *The royal city of Susa*, Metropolitan museum of Art, New York.
- . Harper, O., Aruz, Joan, Tallon, Françoise (1992- 93), *The royal city of Susa*, Metropolitan museum of Art, New York.
- . Heidari Shakib, Reza, Afrigh, Mohamad, Mir Kamali, Elham (May 2012), *The Fish role in Decorative painting of Iranian Art and Culture*, 164, Pp 58- 64.
- . Hesari, Morteza, Shokri, Tahereh (March 2014), *The Effigy of Fish Goddess of Tang-E Sarvak*, International Journal of Research on English language Teaching Student, 1 2, Pp 35- 41.
- <http://ijichthyol.org/index.php/iji/article/view/93>
- . Koch, H. (1998), *Napiriša, Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie*, Walter de Gruyter, Berlin.
- . Moradi, Zahreh (December 2015), *Fish imagery in Iranian artwork*, Iran, Iranian society of Ochthyology.
- . MacDonell, A.A. (1897), *Vedic Mythology*, Strassburge, Verlag von Karl J. Trübner, New York.
- . Potts, D. T. (2012), *The Archeology of Elam: Formation and Transformation of ancient Iranian State*, translated by Zahra Basti, Samt, Tehran.
- . _____ (2004), *The Numinous and the Immanent some Thought on Kurangun and the Rudkhaneh e Fahlyan*, Flosach, Kjeld von & Thrane (Eds), Henrik & Thuesen, Ingolf, From Handaxe to Khan, Aarhus University.
- http://s3.amazonaws.com/academia.edu/documents/27070374/Potts_2004.pdf?AWSAccessKeyId=AKIAJ56TQJRTWSMTNPEA&Expires=1475907762&Signature=KQFO1GVpZvoQr45EIKILZZoKkTA%3D&response-content-

- تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: چاپخانه ارغوان.
- . متن‌های پهلوی، (۱۳۹۱)، گردآوری جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب آسانا، پژوهش سعید عریان، تهران: علمی.
- . مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۶)، *تاریخ و تمدن ایلام*، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- . مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۸)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ج ۸، تهران: علمی و فرهنگی.
- . وارنر، رکس، (۱۳۸۹)، *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، ج ۴، تهران: اسطوره.
- . هال، جیمز، (۱۳۹۲)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، ج ۶، تهران: فرهنگ معاصر.

ب. مقاله

- . پورفرسنگی، مریم و نادعلیان، احمد، (بهار ۱۳۹۱)، «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان؛ بررسی نمونه های ایزد آب در هنر هزاره سوم و دوم پیش از میلاد باستان با نگاهی به آثار بین‌النهرین و شهادت»، نگره، ش ۲۱، ص ۸۴ تا ۹۴.
- . جعفری دهقی، محمود و پوراحمد، مجید، (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «گرز گاوسر فریدون و منشأ آن»، ادب فارسی، دوره ۳، ش ۲ پیاپی ۱۲، ص ۳۹ تا ۵۶.
- . حیدری شکیب، رضا، افروغ، محمد و میرکمالی، الهام، (اردیبهشت ۱۳۹۱)، «جایگاه نگاره تزئینی نقش ماهی در فرهنگ و هنر ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۱۶۴، ص ۵۸ تا ۶۳.
- . مولایی، چنگیز، (زمستان ۱۳۸۸)، *معنی نام فریدون و ارتباط آن با سه نیروی او سنت های اساطیری و حماسی ایران*، جستارهای ادبی، ش ۱۶۷، ص ۱۵۱ تا ۱۷۵.

- disposition=inline%3B%20filename%3DPott
s_2004_FS_Mortensen_Kurangun_relief.pdf
- . Pour Farsangi, Ebrahim, Nadalian, Ahmad (Spring 2012), The reflaction of Water-related belives in Elamite Artworks; the Deity of water samples in the Third and Second millennium BC Art in ancient Mesopotamia and Shahdad, *Negare*, 21, Pp 84- 94.
 - . Tafazzoli, A. (2014), Abtin, *Encyclopædia Iranica*, I/3, p.248.
<http://www.iranicaonline.org/articles/abtin-father-of-the-mythical-king-feridun>
 - . The scared book of the East, Pahlavi Texts (1892), *Dīnkard IX*, vol. XXXVII, part IV, Translated by E. W. Weast, F. Max Muller (ed.), Oxford.
 - . The scared book of the East, Pahlavi Texts (1897), *Dīnkard VII*, vol. XLVII, part V, Translated by E. W. Weast, F. Max Muller (ed.), Oxford.